



Explanation of the Educational Model of Architecture Based on Humans in the Professor's Position (Case Study: Students of South Tehran University)¹

Hassan Torabi², Razieh Labibzadeh³, Hossein Zabihi⁴

Received: 2024-02-03, Accepted: 2024-11-24
DOI: 10.22034/rau.2024.2022092.1081

Abstract

No element of the educational system holds a position as significant as that of a professor. By analyzing the human aspect and the insights of master architects in addressing implementation challenges, we aim to fill the existing gap in the role of individuals in contemporary architectural education.

No creature needs interpretation as much as humans. This issue seeks to understand human beings and their natural needs. Human existential dimensions do not only lead to his inner extent but also include social and environmental angles that are effective and affected. In addition to his inner layers, from a cultural point of view, man also has two individual and social selves. In other words, man has two distinct levels of himself. The surface layer is assimilated with the external space, and the deeper layer is in the state of real continuity of existence. The purpose of man's creation is his happiness, so improving a position in society can provide the basis for man's happiness.

Professors have a high social status. The professor is not only a master of educational issues but also an example for students. The teacher's role is the most substantial to achieve educational goals and create suitable conditions. In the process of education, not only the experience and practical actions of the teacher are effective, but all aspects of his personality are effective in providing students with a learning environment.

The teacher was one of the key foundations of traditional education in all fields

-
1. This paper extracted from the Dissertation of the first author titled "Explaining the architectural education model based on human position (research case of architectural engineering bachelor's course)", by guidance of the second author and advice of the third author which is in progress in the Islamic Azad University, Science and Research Branch university.
 2. Ph.D. Candidate in Architecture, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: architect.torabi23@gmail.com
 3. Assistant Professor, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: r-labibzadeh@srbiau.ac.ir
 4. Associate professor, Department of Urban Planning, Science and Research branch, Islamic Azad university, Tehran, Iran. Email: h.zabihi@srbiau.ac.ir



of art, and his position was often considered high. The method of teacher and student is more educational than teaching. On the other hand, students' knowledge is one of the important and effective factors in architecture education. It is not possible to load students under a regular and pre-determined program without knowing them accurately and paying attention to their reactions to data and demands. According to the increase in the number of students and the difference in their characteristics in receiving information, paying attention and knowing these characteristics is necessary in all fields, including architecture.

Architecture education plays a crucial role in shaping the future of architecture, progress, and prosperity. Iran's architectural heritage, which has traditionally emphasized sustainable values, now faces ambiguity and confusion. This stems from a tension between nostalgia for the past and the allure of Western models, amid the dual concepts of tradition and modernity.

Global transformation is moving in a direction that requires people to learn science and special techniques to face the upcoming conflicts, and this deserves to be paid attention to in education. It is believed that most of today's developments result from science and skill, and acquiring science and technique also requires learning. From this point of view, education should move towards making education more effective and cause more people to learn.

This research aims to help improve the quality of education by introducing a model of a professor in higher education. It began with a qualitative approach using content analysis, followed by the collection of quantitative data through questionnaires, tables, and graphs. For this purpose, the students of South Tehran University were asked about the characteristics of the model professor. According to the obtained numbers, the degree of content mastery, up-to-dateness, creativity, balance between theoretical knowledge and practical experiences, experience, responsibility, eloquence, evaluation, score range 5 to 6, optimism and positivity, scholarship, Positive interaction with students, respect and intimacy, has a score of 4 to 5. Presentation of content has a score of 3 to 4, and flexibility has a score of 2 to 3 out of 6.

According to the above findings, attachment to a subject causes interest and curiosity. This interest and curiosity make a person try. The fruit of this effort eventually leads to the acquisition of knowledge. Then, this knowledge and awareness creates hope in humans, hope increases attachment, and thus, the cycle of attachment, effort, and success begins and continues. On the other hand, it can be admitted that these three dimensions are superficially compatible. Usually, when the cognitive dimension is deep and rooted and dependent on basic values, its emotional dimension is strong and rooted in the same proportion. As a result, a person's psychological readiness for appropriate behavior also increases. If he has a positive attitude, he is ready to help, reward, praise, and support his outcome. On the contrary, if he has a negative attitude towards that subject, he is ready to slander, harm, punish, and destroy the subject.

Keywords: Human position, Contemporary architectural education, Traditional architectural education, Skills

تبیین مدل آموزشی معماری مبتنی بر انسان در جایگاه استاد (نمونه موردی دانشجویان دانشگاه تهران جنوب)^۱

حسن ترابی^۲، راضیه لیب‌زاده^۳، حسین ذبیحی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴-۱۱-۱۴۰۲، تاریخ پذیرش: ۰۴-۰۹-۱۴۰۳

DOI: 10.22034/rau.2024.2022092.1081

چکیده

در بین عناصر نظام آموزشی هیچ‌کدام با عنصر جایگاه استادی برابری نمی‌کند. با بررسی مؤلفه انسان، اصول و بینش عمیق استادان معمار حین حل مسائل حاکم بر اجرای بنا و انتقال سینه‌به‌سینه به شاگردان خویش امید است که بتوان خلأ جایگاه مؤثر انسان در آموزش معماری معاصر را برطرف کرد. هدف از این پژوهش، کمک به ارتقای کیفیت آموزش از راه معرفی الگویی از استاد در آموزش عالی می‌باشد. این پژوهش در مرحله اول در قالب دیدگاه کیفی به روش تحلیل محتوا شکل گرفت و در مرحله بعد با استفاده از پرسشنامه کمی جدول و نمودارها به دست آمد. برای این منظور دانشجویان دانشگاه تهران جنوب در مورد ویژگی‌های استاد الگو مورد پرسش قرار گرفته‌اند. با توجه به اعداد به‌دست‌آمده میزان تسلط بر محتوا، به‌روز بودن، خلاقیت، ایجاد تعادل در بین دانسته‌های تئوری و تجارب عملی، تجربه، مسئولیت‌پذیری، شیوایی بیان، ارزشیابی، امتیاز بازه ۵ تا ۶، خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی، دانش‌پژوهی، تعامل مثبت با دانشجویان، احترام و صمیمیت، امتیاز بازه ۴ تا ۵ و ارائه مدون محتوا، امتیاز بازه ۳ تا ۴ و انعطاف‌پذیری امتیاز بازه ۲ تا ۳ از سقف ۶ را داشته است. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت تعلق خاطر به موضوعی سبب ایجاد کنجکاوی می‌گردد. این کنجکاوی باعث انجام تلاش شده و منجر به دست آوردن آگاهی می‌شود. بدین شکل، زنجیره تعلق خاطر، تلاش و دستاورد به حرکت می‌افتد و ادامه می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: جایگاه انسان، آموزش معاصر معماری، آموزش سنتی معماری، مهارت

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین مدل آموزش معماری مبتنی بر جایگاه انسان (موردپژوهی دوره کارشناسی مهندسی معماری)» می‌باشد، که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در حال انجام است.

۲. دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: architect.torabi23@gmail.com

۳. استادیار، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: r-labizadeh@srbiau.ac.ir

۴. دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: h.zabih@srbiau.ac.ir



مقدمه

هیچ موجودی به اندازه انسان نیازمند به تفسیر نیست. بیان این موضوع به جهت شناخت انسان و نیازهایی بوده که در گرو پرداختن به ذات وی می‌باشد. زوایای وجودی انسان تنها به زوایای درونی وی منتهی نمی‌گردد و زوایای اجتماعی و محیطی مؤثر و متأثر را نیز در بر می‌گیرند. انسان علاوه بر لایه‌های درونی خود از دید فرهنگی نیز دارای دو خود فردی و اجتماعی می‌باشد. به بیانی انسان دو سطح متمایز از خویشتن دارد که لایه سطحی با فضای خارجی همگون می‌گردد و لایه عمیق‌تر در حالت تداوم واقعی هستی می‌باشد. هدف از خلقت انسان، سعادت اوست، بنابراین ارتقای جایگاه انسان در جامعه می‌تواند بستر سعادت آدمی را فراهم نماید.

استادان دارای منزلت اجتماعی بالایی می‌باشند. استاد نه تنها مسلط بر مسائل آموزشی بلکه نمونه‌ای برای دانشجویان می‌باشد (Gillespie, 2005). برای کسب مقاصد آموزشی و ایجاد شرایط مناسب استاد کلیدی‌ترین عامل می‌باشد. در پروسه آموزش صرفاً تجربه و اقدامات عملی استاد مؤثر نیست، بلکه تمام ابعاد و جوی وی در فراهم کردن زمینه یادگیری دانشجویان مؤثر می‌باشد (Benett. et al, 2002).

استاد یکی از پایه‌های مهم آموزش سنتی در تمامی زمینه‌های هنر بوده که موقعیت او اغلب بالا شمرده می‌شد. شیوه استاد و شاگردی بیشتر از آنکه تدریسی باشد تعلیمی است (سیفی و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی شناخت دانشجویان یکی از عوامل مهم و مؤثر بر آموزش معماری است. نمی‌توان دانشجویان را بدون شناخت دقیق و بدون توجه به واکنش‌هایش به داده‌ها و خواسته‌ها، تحت یک برنامه منظم و از پیش تعیین شده بار آورد (فیضی، دژپسند، ۱۴۰۰). با توجه به افزایش تعداد دانشجویان و هنرجویان و تفاوت شاخصه‌های ایشان در دریافت اطلاعات و توجه و شناخت این شاخصه‌ها در تمامی زمینه‌ها از جمله معماری ضروری می‌باشد.

آموزش معماری یکی از موضوعات کلیدی و مهم در ترسیم آینده معماری، پیشرفت و شکوفایی به شمار می‌آید. معماری گذشته ایران که همواره با تأکید بر ارزش‌های پایدار از جایگاهی ویژه برخوردار بوده، در دوره کنونی با پیدایش لغات دوگانه سنت و مدرنیته، از میان نگاه حسرت‌انگیز به گذشته تا شیفتگی الگوهای غربی، دچار نوعی ابهام و سردرگمی شده است (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸).

معماری قدیم ایران مملو از معنا و زیبایی است. در صورتی که معماری معاصر ایران خالی از ویژگی‌های پنهان در معماری گذشته است. چه عواملی موجب به وجود آمدن این تفاوت فاحش است و در میان آن‌ها نقش آموزش در به وجود آمدن ویژگی‌های یک معمار به عنوان خالق اصلی فضاهای معماری و شهری به چه میزان است؟ (طاقی، ۱۳۷۴)

دگرگونی جهانی به سمتی در حرکت است که افراد را به فراگیری علم و تکنیک‌های ویژه برای رویارویی با کشمکش‌های پیش رو محتاج می‌کند و این سزاوار آن است که به یادگیری افراد توجه شود؛ زیرا باور این است که اکثر توسعه‌های امروز نتیجه علم و مهارت است و به دست آوردن علم و تکنیک هم به یادگیری نیاز دارد. از این جهت، آموزش و پرورش باید به طرف تأثیرگذارتر کردن آموزش پیش برود و باعث یادگیری بیشتر افراد شود (زرافشانی و همکاران، ۱۴۰۰).

مرور روند تاریخی آموزش معماری و برجامانده از آن‌ها، نقاط برابر و غیرمشترک را با دوره آموزش معاصر نشان می‌دهد. آموزش معماری قبل از شیوع به شیوه امروزی به شکل استاد و شاگردی انجام می‌گرفت. در این زمینه، استادان نام‌آشنای جهان اسلام و فلاسفه از قبیل اخوان‌الصفاء، خواجه‌نصیرالدین طوسی، سعدی، شهید ثانی و... در مباحثه‌های نظری و شیوه‌های عملی تعلیم و تربیت، با تکیه بر منابع کامل و پایان‌ناپذیر وحی و میراث غنی اولیا خدا و ائمه علیهم‌السلام آثار بی‌نظیری به جا گذاشته‌اند. آموزش معماری برخاسته از روش تربیتی اسلام که در قرآن و حدیث آمده، سعی داشت با شناخت دادن به افراد از خویش و دنیای پیرامون، به تربیت همه‌جانبه و جوه آنان بپردازد؛ کوششی در فراهم آوردن مناسب که شرایط را برای بیان و آشکار نمودن استعداد‌های ذاتی انسان فراهم و او را کامل‌تر می‌کرد (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

این شیوه با شروع آموزش نوین در مدارس، کم‌کم فراموش شد و اینک فقط در بعضی از تکنیک‌های ساختمان همانند بنایی و... رواج دارد. آموزش رشته معماری به شکل فعلی و دانشگاهی، اغلب به وسیله دانش‌آموختگان فرنگ و برخی از معماران و استادان خارجی در ایران رواج یافت. اگرچه آموزش عالی به شکل غربی در ایران هم‌دوره با تأسیس دارالفنون در میانه قرن نوزدهم (۱۲۲۹ ش) شروع شد، با دایر کردن دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) در سال ۱۳۱۹ شمسی شروع شد. این مدرسه را می‌توان اولین الگوی دانشکده معماری در ایران

پیشینه تحقیق

در مقاله حاضر، نخست با توجه به هدف تحقیق، کلیدواژه‌های مناسب معین گردید و عنوانهای موضوعی با توجه به کلیدواژه‌ها، مستند گردیدند. کلیدواژه‌های مورد بررسی شامل آموزش معاصر معماری، آموزش سنتی معماری، آموزش، استاد، دانشجو، تعامل استاد و دانشجو، مهارت، دانش و حکمت و تحول در آموزش معماری بوده که موارد زیر از آن‌ها استخراج گردید.

در کتاب مشق معماری عیسی حجت به این نکته اشاره می‌کند که «آموزش معماری همانند خود معماری متغیری است از شرایط زمان و مکان و تحت تأثیر از کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی و شناخت جهان انسان‌ها» (حجت، ۱۳۸۹).

در کتاب سنت و بدعت در معماری به قلم ایشان پس از بررسی بنیان‌های آموزش سنتی و جدید معماری آمده است که: «آموزش معماری امروز که قالب سنتی خود را کنار گذاشته ولی به ارزش‌های پایدار خود متعهد مانده است باید هر سه مؤلفه مهارت، دانش و حکمت را در خود داشته باشد» (حجت، ۱۳۹۱).

در مقاله «سازوکار داوری و سنجش طراحی در آموزش معماری، ارائه مدلی برای ارزیابی مراحل مختلف و ارزشیابی طرح در تعامل استاد و دانشجو» در راستای بحث آموزش معماری به اهمیت قضاوت و داوری در پروژه‌ها اشاره دارد و می‌نویسد: «در آموزش مناسب است که هنرجویان در قضاوت کارهای خود دخالت داشته باشند و این کار می‌تواند به عنوان مرحله پایانی از مراحل آموزش معماری به حساب آید» (سامه، ایزدی، ۱۳۹۳) (Wade, 1977: 15).

یوسف گرجی مهبلیانی در مقاله «آموزش معماری امروز و چالش‌های آینده پس از بررسی و مطالعه در باب نگرانی‌های معماری امروز و بررسی برنامه‌های درسی» نتیجه‌گیری می‌کند که «بدون برنامه بودن، یکپارچه نبودن رویکردها و فراموشی ارزش‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین علت دست نیافتن به معماری مناسب در آینده مدارس معماری ایران به حساب می‌آید» (گرجی مهبلیانی، ۱۳۸۹).

در مقاله «آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها» عیسی حجت اعتقاد دارد که صرف فارغ‌التحصیل شدن از سیستم آموزش عالی صرفاً تربیت کارشناس و کارشناس معماری تحویل جامعه دادن است و این کارشناس برای معمار شدن نیازمند طی مرحله و منزلی دیگر است که آن را حکمت می‌خواند و این‌طور

دانست که بر پایه شیوه فرانسوی مدرسه بوزار شکل گرفته بود (مه‌دوی پور قائم‌مقامی، ۱۳۹۱: ۲۶).

بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، اغلب وجوه جامعه شامل تغییر شد و با تعطیل شدن دانشگاه‌ها و آغاز انقلاب فرهنگی و تشکیل جریان‌های سیاسی، شکل و شیوه آموزش عالی در نظر مردم متفاوت شد. مسئولان برای متناسب‌سازی برنامه آموزش عالی رشته معماری با نیازهای جامعه، تلاش داشتند نظام آموزش رشته معماری را تغییر دهند؛ این تغییر در دو سطح دیده شد: ۱. تغییر سرفصل و برنامه درسی رشته معماری، ۲. تغییر در گزینش دانشجو (نیک‌کار و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶).

با وجود کتب و رسائل و مقالات متعدد در باب آموزش معماری و ارزیابی کیفی و کمی آموزش در مدارس معماری که طی سالیان اخیر نیز بر تعداد آن افزوده شده است متأسفانه نمود و بازخورد این گفتارها و تحقیقات در سطح آموزش مدارس و در بین دانشجویان و اساتید مشهود نیست. کمتر پژوهشی بر مؤلفه انسان، شناخت انسان و بررسی جایگاه انسان در نظام آموزش سنتی و چگونگی ارتقاء جایگاه انسان در آموزش معماری معاصر تمرکز داشته و اگر به آن اشاره‌ای شده است کوتاه و گذرا بوده است. اکثر تحقیقات و پژوهش‌ها حول مدل‌های گوناگون آموزش بوده و به بررسی و چگونگی پیاده کردن آن‌ها پرداخته‌اند. به موضوع انسان در علوم مختلف به‌طور عموم بسیار پرداخته شده است. آنچه در این تحقیق به آن پرداخته شده، شناخت و ویژگی‌های انسان از نظر روحیات، اخلاق، نیازهای ذاتی، نیازهای فردی و نیازهای در مواجهه و تعامل با دیگران در جامعه و نحوه پاسخگویی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آنها بر معماری و ماقبل از آن بر آموزش معماری می‌باشد. لذا نوآوری در انجام این پژوهش به جهت تمرکز بر شناخت جایگاه انسان و در جهت ارتقاء آن در آموزش معماری دوران معاصر می‌باشد. ضرورت انجام این پژوهش تمرکز بر شناخت جایگاه انسان در آموزش معماری دوران معاصر می‌باشد.

گمان می‌رود با خوانشی جدید از مؤلفه انسان و ترجمه‌ای امروزی و کارآمد از مطالب گذشته و به‌کارگیری صحیح و به‌جا از مفاهیم آموزش معماری سنتی می‌توان آموزش معماری دوران معاصر را همراه با جامعه، ارزش‌ها و علوم و فنون دانست.



معماری در مواجهه دوسویه با تاریخ و فناوری» توجه دارند که درهمین حال برای همراه نمودن مسائل آموزش معماری با این مسیر سعی می‌شود در ایران نیز این مسیر آموزش تعاملی مدنظر قرار گیرد و شیوه آموزشی معماری با ضابطه‌های آموزشی نوین همخوان شود (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۲).

بین^۱ نیز در یک مطالعه میدانی، بهترین استادان را مشخص می‌نماید. این استادان از جهت نظری و دانش در رشته تخصصی خود کامل هستند، از روش‌های آموزشی گسترده استفاده می‌کنند (Bain, 2004).

اومالی^۲ استاد تحول‌گرا را مشخص می‌نماید. او شخصی می‌باشد که در منظر فکری به دانشجو کمک می‌نماید تا اهل فکر، جستجوگر و فعال باشد. از جهت دیگر، در بعد ارتباط بین فردی با ایجاد جذبه عاطفی، احترام متقابل و تحمل پذیرش نظرات مخالف، زمینه‌ای را به وجود می‌آورد که استعداد‌های دانشجویان شکوفا گردد (Omalley, 2000).

طاقی در مقاله «دیدگاهی به آموزش معماری در دوران معاصر» هم‌زمان توجه به فرق بین بستر و زمینه کار معماری معاصر با معماری سنتی و سختی‌هایی که معماری معاصر مواجهه می‌گردد با آن، به تحولات آموزش معماری از نوع سنتی به آموزش نوین و نتایج مهم آن اشاره می‌کند (طاقی، ۱۳۷۴).

در همه مطالعات ذکرشده در «جدول ۱» موضوعاتی همچون شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار در آموزش، رابطه میان آموزش معماری و بروز بحران هویت در معماری معاصر ایران، رابطه میان استاد و شاگرد، دلیل بروز تغییرات اساسی در ساختار آموزشی، بررسی آموزش معماری و دگرگونی‌های آن در گذر زمان مورد بررسی قرار گرفته است.

با وجود تهیه کتب و رسائل و مقالات متعدد در باب آموزش معماری و ارزیابی کیفی و کمی آموزش در مدارس معماری، می‌توان گفت کمتر پژوهشی بر مؤلفه انسان، شناخت انسان و بررسی جایگاه انسان در نظام آموزش سنتی و چگونگی ارتقاء جایگاه انسان در آموزش معماری معاصر تمرکز داشته و اگر به آن اشاره‌ای شده است کوتاه و گذرا بوده است. اکثر تحقیقات و پژوهش‌ها حول مدل‌های گوناگون آموزش بوده و به بررسی و چگونگی پیاده کردن آن‌ها پرداخته‌اند. مواردی همچون این موضوع که دل‌بستگی شاگرد به وجوه گوناگون شخصیت استاد ممکن است به پیوند عاطفی با موضوع و تعالی انتقال یادگیری گردد و آموزش معماری امروز که شاکله سنتی خود را کنار

می‌نویسد: «همان‌طور که در فرهنگ ما، هر فرقه زورمندی پهلوان نیست و پهلوان به کسی می‌گویند که زورمند می‌باشد و معرفت استفاده از زور خود را نیز دارد، هر کسی که مهارت در طراحی و آشنایی با دانش‌های معماری داشته باشد، "معمار" نیست، بلکه معمار کسی می‌باشد که بینش به کار بستن توانش و دانش خود را داراست» (حجت، ۱۳۸۲).

در مقاله روش استاد و شاگردی؛ از نگاهی دیگر به قلم حمید ندیمی ایشان آورده است که: «اگر مهم‌ترین اعضا آموزش را استاد، شاگرد و امر آموزش بدانیم، با در نظر گرفتن تئوری تعادل می‌توان به جذبه عاطفی نسبت به موضوع که سبب قدرت انتقال یادگیری است، گیرایی عاطفی شاگرد و استاد را افزود. علاقه شاگرد به شخصیت استاد می‌تواند به پیوند عاطفی با موضوع و ارتقا انتقال یادگیری منجر گردد (ندیمی، ۱۳۸۹). چیزی که این مقاله در ادامه کتب و مقالات با ارزش گفته شده ارائه می‌نماید طرح این موضوع در بین دانشجویان و اساتید مدارس معماری است که چگونه و تا چه حد می‌توان مسیر پیش روی دانشجویان را تبیین کرد، تا با شناسایی توانایی‌های فردی ایشان و دانسته‌های فراوان اساتید و کنار هم قرار دادن این مؤلفه‌ها طی طریق برای پویندگان آن مسیر میسر گردد.

در مقاله «تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار برون دانشگاهی آموزش معماری بر معماران معاصر ایران از دیدگاه اساتید دانشگاه» هدف شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار در آموزش، بر معماری معاصر از منظر اساتید معماری است. مقاله به دنبال وضوح بخشیدن، آشکار کردن و تبیین مؤلفه‌ها و عوامل موردنظر اساتید معماری است (گورا و همکاران، ۱۴۰۱).

مقاله «مطالعه آموزش معماری در دانشگاه‌های ایران در امتداد حل بحران هویت معماری معاصر ایران» در پی آن است که با بررسی و تبیین رابطه میان آموزش معماری و بروز بحران هویت در معماری معاصر ایران، به ارائه الگویی از آموزش معماری در راستای حل بحران و تقویت هویت معماری ایرانی همت‌گمارد (زرافشانی و همکاران، ۱۴۰۰).

هدف از مقاله «تفکر در رابطه استاد و شاگردی در آموزش هنرها با تکیه بر نظام سنتی» توسط سیفی و همکاران توجه به رابطه بین استاد و شاگرد یا همان مراد و مرید است که نشان‌دهنده درک هنرمندان در گذشته است (سیفی و همکاران، ۱۳۹۶).

مهدوی‌نژاد و همکاران در مقاله «تحول در آموزش

جدول ۱. پیشینه پژوهش.

عنوان پژوهش	نویسنده	سال	نظریه
تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار برون دانشگاهی آموزش معماری بر معماران معاصر ایران از دیدگاه اساتید دانشگاه	گورا، فروتن، دژدار	۱۴۰۱	هدف از این مقاله شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار در آموزش، بر معماری معاصر از منظر اساتید معماری است. مقاله به دنبال وضوح بخشیدن، آشکار کردن و تبیین مؤلفه‌ها و عوامل مورد نظر اساتید معماری است.
بررسی آموزش معماری در دانشگاه‌های ایران در راستای حل بحران هویت معماری معاصر ایران	زرافشانی، طهماسبی، بایزیدی	۱۴۰۰	این پژوهش در پی آن است که با بررسی و تبیین رابطه میان آموزش معماری و بروز بحران هویت در معماری معاصر ایران، به ارائه الگویی از آموزش معماری در راستای حل بحران و تقویت هویت معماری ایرانی همت گمارد.
تأملی در رابطه استاد و شاگردی در آموزش هنرها با تأکید بر نظام سنتی	سیفی، بلخاری، قهی، محمدزاده	۱۳۹۶	هدف این پژوهش پرداختن به رابطه میان استاد و شاگرد یا همان مراد و مرید است که نمایانگر جهان‌بینی هنرمندان در گذشته است.
سنت و بدعت	حجت	۱۳۹۱	آموزش معماری در جامعه امروز که ساختار سنتی خویش را وانهاده ولی به ارزش‌های پایدار خویش وفادار مانده است باید هر سه مؤلفه مهارت، دانش و حکمت را در خود داشته باشد.
مشق معماری	حجت	۱۳۸۹	آموزش معماری چون خود معماری تابعی است از شرایط زمان و مکان و متأثر از باورها و هنجارهای اجتماعی و جهان‌بینی انسان‌ها
روش استاد و شاگردی؛ از نگاهی دیگر	نیمیی	۱۳۸۹	اگر اصلی‌ترین ارکان آموزش را استاد، شاگرد و موضوع آموزش بدانیم بر اساس نظریه تعادل می‌توان به جذب عاطفی نسبت به موضوع که موجب قوت انتقال یادگیری است، جذب عاطفی شاگرد و استاد را نیز افزود. علاقه شاگرد به شخصیت استاد می‌تواند به پیوند عاطفی با موضوع و ارتقا انتقال یادگیری منجر گردد.
آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها	حجت	۱۳۸۲	هم‌چنانکه در فرهنگ ما، هر فریه زورمندی پهلوان نیست و پهلوان کسی را گویند که زورمند است و معرفت به کارگیری زور خویش را نیز دارد، هر آن کس که مهارت در طراحی و آشنایی با دانش‌های معماری داشته باشد، "معمار" نیست، بلکه معمار آن است که بینش به کارگیری توانش و دانش خویش را داشته باشد.
نگاهی به آموزش معماری در دوران معاصر	طالقی	۱۳۷۴	نوشتار حاضر ضمن توجه به تفاوت بستر و زمینه کار معماری معاصر با معماری سنتی و دشواری‌هایی که معماری معاصر با آن روبرو است، به تحولات آموزش معماری از شیوه سنتی به آموزش نوین و پیامدهای مهم آن اشاره می‌کند.

عمل استاد در نگاه شاگرد ثبت می‌گردد. این روش مخصوص جوامع بسته، با هنجارها و ارزش‌های ماندگار و روش‌ها و مصالح مشخص و به شرط حضور اساتیدی جامع‌الشرایط و شاگردانی مطیع و متعبد بود (جدول ۱). این شیوه آموزش، این دوره در برابر برچیده شدن مرزهای اطلاعاتی و رویارویی با فرهنگ‌ها، فلسفه‌ها و دیدگاه‌های دیگر، گسترش و تنوع روش‌های ساخت و مصالح، تغییر اوضاع زیستی، محیطی و معیشتی و نیز جابجایی و کاهش اثرگذاری معمار در طی مراحل و بودن شاگردانی سرکش و نامتعبد، بازدهی خود را از دست داده است (حجت، ۱۳۹۱). (جدول‌های ۳ و ۲)

گذاشته ولی به ارزش‌های همیشگی خود متعهد مانده است باید هر سه مؤلفه مهارت، دانش و حکمت را در خود داشته باشد نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. انواع آموزش

۱.۱. آموزش سنتی: حکمت و مهارت

آموزش معماری در سرزمین ما تا پیش از عصر تجدد و ایجاد مدرسه‌های معاصر، آموزشی غنی و برجسته بر اساس ریشه‌داری سنت و متقن بر دو مؤلفه مهارت و حکمت بوده و حکمت‌ها و مهارت‌ها در ببحوه ایجاد و شکل‌گیری بنا از



جدول ۳. ارزیابی نظام سنتی آموزش معماری (انتصاری فر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

آموزش معنوی	آموزش عملی	آموزش تئوری	
شیوه فتوت شیوه‌های صوفی‌گری اصناف	منابع مکتوب استاد و شاگردی	آموزش‌های کارگاهی شیوه اصناف شیوه استاد و شاگردی	شیوه آموزش
اخلاق حرفه‌ای اخلاق اجتماعی مباحث دینی ادراک شهودی صوفی‌گری ایدئولوژی هنرمند	هندسه نقشه پیمایش نجوم موسیقی	موضوعات کارگاهی کاربرد مصالح موضوعات تجربی ایستایی شناخت تجربی مصالح ساخت و کار حرفه‌ای	موضوعات مطرح

جدول ۲. دیدگاه موجود در آموزش معماری سنتی (انتصاری و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۱۷).

دیدگاه آموزش معماری سنتی				
رسالة المعمارية	فتوتنامه بنایان	ابن خلدون	فارابی	
قرن ۱۱ ه ق	قرن ۸، ۹ و ۱۰ ه ق	قرن ۸ ه ق	قرن ۴ ه ق	بازه زمانی
معمار	بنا	بنا	معمار	عنوان به کار رفته برای حرفه آموز
آموزش عملی علوم نظری	آموزش عملی، آموزش اصول اخلاقی آموزش عرفانی، آموزش دینی	آموزش عملی	آموزش عملی علوم نظری	تأکید اصلی آموزش
نامشخص	صنعت	فن و صنعت	حیل	جایگاه در تقسیم‌بندی علوم

باید هر سه مؤلفه مهارت، دانش و حکمت را همراه داشته باشد تا معمار شکل گرفته در این مراحل با داشتن مهارت‌ها و آراسته شدن به دانش‌های لازم و آشنایی با آزمون‌های سرزمینی و جهانی بتواند ردپایی حاکی از حکمت و معرفت به جا بگذارد که در امتداد هنجارها و ارزش‌های بالای جامعه باشد و شکاف بین معماری و ارزش‌های اساسی فرهنگی این مرزوبوم را به همراهی مجدد تبدیل نماید (حجت، ۱۳۹۱). (نمودار ۱)

۲. شناخت مؤلفه‌های مجهول در آموزش دوران معاصر

۲.۱. انسان

انسان همان میزان که به جهان خارج از خویش توجه کرده و در آن جلو رفته، از خویش دور افتاده و حقیقت خود را فراموش کرده است (شریعتی، ۱۳۷۸: ۳۵). بیان این موضوع به جهت شناخت انسان و نیازهایی می‌باشد که در گرو پرداختن به ذات وی می‌باشد. از این رو می‌باشد که استاد مطهری در کتاب فطرت خود می‌فرماید در بین مباحث فلسفه و شناسایی موجودات جهان، هیچ موجودی مانند انسان نیازمند به تفسیر نیست (مطهری، ۱۳۵۶: ۱۳). اکثر اندیشمندان اسلامی به این اعتقاد دارند که «بدن همواره دستخوش دگرگونی، زیادت و کاستی می‌باشد و از اعضای شکل گرفته که همه دستمایه تغییر و تحول اند، تا آنجا که بعد از دو دهه از بدن انسان آن چیزی که در ابتدا بود چیزی به جا نمی‌ماند. باین‌وجود در همه این تغییرات انسان به بقای ذات خود و ثبات آن در مدت زندگی اقرار دارد. پس انسان به عنوان حقیقتی ثابت غیر از بدن او و اعضای متغیر او است» (اعرافی، ۱۳۸۸: ۲۴۴). در همین راستا ابن‌سینا

۲.۱. آموزش معاصر: مهارت و دانش

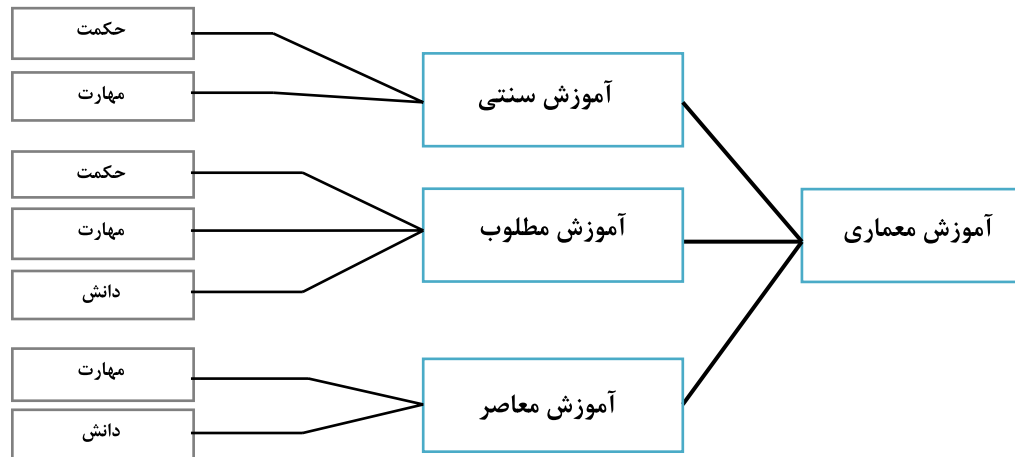
آموزش معماری در مدرسه‌های امروزی ایران به پیروی از غرب، آموزشی نامتعیین، بر اساس اصالت بدعت و استوار بر دو مؤلفه مهارت و دانش است. این مهارت‌ها و دانش‌ها در عرصه‌هایی مجزا و به روش‌هایی متفاوت و به وسیله استادانی با توانایی‌های متفاوت، به شاگردانی با علاقه‌ها و بن‌مایه فکری ناهمسان ارائه می‌گردد.

این روش با توجه به آن‌که صفتی جهان‌شمول و بدون در نظر گرفتن فرهنگ و خصوصیات سرزمینی، بومی و فطری مردم دارد، افزون بر آراستن شاگرد به علوم و فنون نوین و مدرن، به آهستگی او را از شایستگی‌ها و ماهیت آیینی و سرزمینی خود خالی و دور می‌نماید. تجربه هفتاد سال آموزش معماری به شیوه معاصر در ایران، بیانگر این گسست فرهنگی بین معمار و جامعه می‌باشد (حجت، ۱۳۹۱).

آموزش معماری شبیه دیگر شیوه‌های تئوری و عملی آموزشی علوم و مشاغل مختلف، خود را با تغییرات و دگرگونی‌ها هم مسیر کرده و نظر هنرشناسان و پیشه‌وران را معطوف نوآوری‌ها و ابداعات نو نموده است (United Nation, 1993).

۳.۱. آموزش مطلوب: مهارت، دانش و حکمت

آموزش معماری امروز ما که شاکله سنتی خود را کنار گذاشته، ولی به عقیده و ارزش‌های همیشگی خود متعهد مانده است



نمودار ۱. آموزش مطلوب: مهارت، دانش، حکمت.

ابعاد و وجوه گاه متضاد انسان را می‌توان به عنوان مؤلفه‌ای فراموش‌شده در فرایند انتخاب، طراحی و پیشنهاد به دیگران (انسان‌های دیگر) مطرح کرد. چه‌بسا انسانی که در جایگاه طراح قرار می‌گیرد با شناخت خویش و ابعاد درونی و پنهان بتواند ارتباطی بهتر، مؤثرتر و ساده‌تر با کسانی (انسان‌هایی) که می‌خواهد برای ایشان طرح و فرایندی خلق نماید، برقرار کند؛ که این موضوع خود کمک شایان و درخور توجهی را به شکل‌گیری بامعناتر و قابل‌پذیرش‌تر طرح می‌نماید.

۲.۲. عدم تعیین معیار در معماری دوران معاصر

در آموزش معماری دوران معاصر مشخص نیست که تا چه حد می‌توان به دانشجو و خلاقیت‌های شخصی وی اعتماد کرد و کدام بخش از طراحی را می‌توان بر عهده او و توانایی‌هایش گذاشت و در کدام بخش می‌توان از قاعده‌ای ثابت سخن گفت. «آنچه در بعضی از مدارس معماری شکل می‌گیرد شناساندن سبک‌های معماری مدرن به دانشجویان است. درحالی‌که شناخت آنها از انواع معماری بدون پیدا کردن معرفت نسبت به آن، سبب حیرانی ایشان در عرصه بی‌معیاری و سبب بیهودگی آموزش است» (حجت، ۱۳۸۳: ۲۷). به بیانی دیگر «امروز آموزش معماری در نوعی از سردرگمی می‌باشد. آموزش و اگرچه بعضی اوقات به شکلی از اشکال معماری (پست‌مدرن،

نفس را حقیقت ثابتی معرفی می‌کند که عاملی جداگانه از بدن است (ملکشاهی، ۱۳۷۵، ۱۰)، بعدها گوناگون انسان تنها به ابعاد درونی او منتهی نمی‌گردد و ابعاد اجتماعی و محیطی مؤثر و تأثیر گرفته را شامل می‌گردد. انسان افزون بر لایه‌های درونی خویش از نظر فرهنگی نیز دارای دو خود فردی و اجتماعی می‌باشد. به عبارتی انسان دو سطح متفاوت از خویشتن دارد که لایه سطحی با فضای خارجی متشابه می‌شود و لایه عمیق‌تر در حالت تداوم واقعی هستی است (شوارتس، ۱۸۲: ۲۶).

قرآن به عنوان ضامن عالی عقل بشر برای هر اتفاق پیدا و پنهانی را توصیف می‌کند که هرکدام از آنها دارای مراتبی‌اند و بر دوش انسان نهاده که با فکر کردن در ظاهر آیات متوجه باطن شود، تا بدین شکل متوجه باطن خود شود و در مقابل، ظاهرگرایان را انکارکنندگان آیات الهی می‌نامد. به همین شکل پیدا و پنهان باطن انسان را دارای خصوصیتی می‌داند که در آشکار شامل مجموعه‌ای از اخلاق‌ها، رفتارها و دیگر ابعاد که در ساختار فیزیکی می‌توان تعریف کرد است، می‌باشد و از این جهت بنا بر آیه شریفه «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلٰی سَاكِلَتِهٖ...» (قرآن، سوره الإسراء، آیه ۸۴) دارای کثرت می‌باشند. شاید همگان بر این تصور باشند که انسان و آدمی را شناخته و درک می‌کنند، ولی این در حالی است که انسان به عنوان ناشناخته‌ترین موجود هستی، همواره دارای پیچیدگی‌های فراوانی است. شناخت



نقابشان را برداریم. هلاکشان کنید! اجازه دهید دنیای کهنه، ژولیده و وامانده معانی، ایدئولوژی‌ها و ساختارها، احساس سردی و مرگ کنند. بمیرد آفت مفهوم! بمیرد آنچه خفقان آور است! ... بمیرد هر چیز جدی!» (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۳۷۰) و به بیان سالینگروس «این دوره معماران تحصیل کرده در بیان دوری از الگوها، همیشه بحث کهنه مدرن مقابل سنتی را پیش می‌کشند» (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۳۸۳).

۲. ۵. افتادن به ورطه تکرار

در این باره دوکسیادس «مانند هم بودن راه‌حل‌های معماری برای مناطق گوناگون جهان در سال‌های ابتدایی قرن جدید را متأثر از این عوامل می‌داند: حضور فرآورده‌های سنتی یا وسائط حمل‌ونقل برابر برای تمام جهان، اختراع موتورهای تهویه مطبوع مکانیکی، استفاده از مواد ساخت و حتی جزئیات و دکوراسیون برابر در تولیدی جهانی، آموزش دیدن معماران در مدارس کشورهای خاص و بعد گسترده شدن ایشان در نقاط مختلف دنیا» (دوکسیادوس، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۷) و می‌بینیم که این دلایل همچنان هم جاری است. در مواجهه و در مقابله با هرچ‌ومرچ و آشفتگی‌های ناشی از کثرت‌گرایی، ناگهان موجی از همسان‌سازی در مقیاسی وسیع شکل گرفت.

یکسان‌سازی‌هایی که باعث از بین رفتن هویت و اصالت ارزش‌ها شد. به تعبیر شولتز: «ما موقع معرفی خویش از مکان برای بیان شاخص استفاده می‌کنیم و مکان با ایجاد هماهنگی بین تعدادی از انسان‌ها ایشان را هویتی همسان بخشیده و بدین شکل پایه‌های هم‌نشینی و جامعه را مستقر می‌نماید و این ویژگی‌ای است که انجام آن فقط به شرط دائمی بودن مکان میسر می‌شود» (Schuz, 1980).

۳. تبیین مدل آموزش

آموزش، متشکل از ویژگی‌هایی است که برای یادگیری در یادگیرنده، از سمت آموزگار بیان می‌گردد و میان آموزگار و یک یا چند یادگیرنده، به گفت‌وگوی متقابل جریان می‌یابد (سیف، ۱۳۸۶: ۱۴). آموزش، به هر نوع فعالیت یا تدبیر از قبل طراحی‌شده‌ای اطلاق می‌گردد که قصد آن یادگیری یادگیرندگان است (سیف، ۱۳۸۶: ۱۵). آموزش معماری یکی از موضوعات مهم و کلیدی در رشد، شکوفایی و ترسیم آینده

دیکانستراکشن، فولدینگ و...) بیان می‌گردد. به سبب تعداد زیاد و کوتاه شدن دوره سبک‌ها به آموزشی "در به در" مبدل گشته که نقطه قوتی ندارد» (حجت، ۱۳۸۹: ۱۴).

۲. ۳. عدم باز تعریف مؤلفه‌های مطلوب گذشته

در روزهایی که سخن از نگاه نو و قبول معماری معاصر غرب و تجدد و نوآفرینی در معماری می‌شنویم و در هنگامه‌ای که ساز دوری از معماری گذشته را کوک می‌کنیم؛ استفاده عین‌به‌عین و بدون تغییر از اشکال، مدول و مؤلفه‌های پیشینیان را در سطح کلان و در بین کارهای ساخته‌شده در شهرها شاهد هستیم. دغدغه مخالفان این تقلید یک‌به‌یک و گزرت‌برداری عین‌به‌عین را باید جست‌وجوی امر ثابت معماری بدانیم که به این شکل بیان شده است: «آنچه شایسته است که به آن پرداخت معماری سنتی نبوده بلکه سنت‌های معماری می‌باشد؛ سنت‌هایی که حتی با تکامل تکنولوژی و علم و تغییر اهداف تغییر کمی دارد. اغلب جهانی می‌باشند و متأثر از آب‌وهوا و اقلیم و هر فرهنگ تغییر می‌یابد» (شریعت‌زاده، ۱۳۷۴: ۶۶).

۲. ۴. نفی گذشته و مؤلفه‌های مطلوب

در نقطه مقابل بینشی که خروج جامعه از وضعیت سنتی را باور ندارد و خواستار تداوم شیوه‌ها و رفتارها و مطلق‌نگری جامعه سنتی است؛ طیفی در میان مدارس معماری مدرن و جامعه حرفه‌ای وجود دارند که کمرنگ شدن شرایط گذشته، آداب و سنن پیشینیان را به منزله تهی شدن ظرف فرهنگ و تاریخ و هنر ایرانی دانسته و چشم و گوش بسته؛ رو به سوی تقلید نکته به نکته و عین‌به‌عین و لحظه‌ای از فرهنگ، هنر و معماری غرب آورده‌اند. همین امر سبب ارائه هنر و معماری‌ای می‌شود که از طرف جامعه پذیرفته نمی‌شود و در محافل و مجامع حرفه‌ای نیز مورد نقد و بحث قرار می‌گیرد. برخی از معماران تحول‌خواه به مدد وسایل ارتباطی نوین شروع به تجربه دوباره گرایش‌ها و سبک‌های گذشته یا امروز غرب کرده‌اند و سیمای آشفته شهر را می‌توان نتیجه این خودخواهی و کوتاه‌بینی ایشان دانست. این رویه آن قدر مورد مذمت می‌باشد که می‌توان این دسته از افراد را مصداق این سخن برونو تاوت دانست که می‌گوید: «اف بر معناهای ما: فضا، خانه، سبک! این معناها چقدر بد می‌باشند! از بین ببریدشان! از آنها نشانی نگذارید! مدرسه‌هایی که آنها را می‌گویند ببندید، اجازه بدهید آنها را به همه بشناسانیم و

و محاسبات، قدرت حل مسئله و تصمیم‌گیری، منطق و تولید زبان. روند شناختی از دانسته‌ها استفاده می‌کند و علم جدید به دست می‌آورد. شناخت به توصیف، به دست آوردن، ذخیره‌سازی، تبدیل، و استفاده از دانش می‌پردازد. عوامل مختلفی همچون ادراک، حافظه، زبان، استدلال و تصمیم‌گیری از جمله فرایندهای ذهنی هستند که در مراحل گوناگون شناخت دخالت دارند (فرهنگ فارسی معین).

۲.۳. ادراک

ادراک، مرحله‌ای است که هرکسی، با آن، دریافت‌ها و برداشتهایی را که از دنیای اطراف خویش دارد، طبقه‌بندی و ارزیابی می‌کند و به این شکل، آنها را معنادار می‌کند؛ ولی، ادراک می‌تواند از رویدادهای تماشایی خیلی جدا و دور باشد. بیشتر مواقع، انسان‌ها دریافت‌های متفاوتی نسبت به یک اتفاق دارند. می‌توان گفت که رفتار مردم، به روش ادراک، پنداشت یا برداشت آن‌ها (و نه رویداد) بستگی دارد. ادراک یعنی فراگرد دریافت تغییر و تفسیر محرک‌های طبیعی (فرهنگ فارسی معین).

۴. روش تحقیق

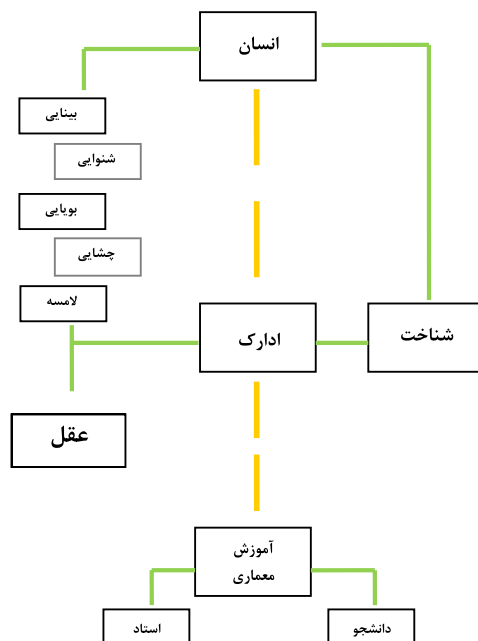
این پژوهش در مرحله اول در ساختار دیدگاه کیفی و با استفاده از تحلیل محتوا انجام شد. در هر موردی که عامل انسانی در آن مطرح است، اگر مورد پژوهش به شکلی مربوط به احساسات، عواطف، دریافت‌ها، نگرش‌ها و دیدگاه‌ها باشد، استفاده از شیوه کیفی داده‌های مفیدی را به دست می‌دهد (بنکداری و همکاران، ۱۳۹۵). به علت بیان‌شده و با توجه به ایجاد رابطه متقابل بین استاد و شمار زیادی دانشجوی، با علاقه‌ها، نیازها و توانایی‌های گوناگون، در این پژوهش از روش‌های کیفی استفاده شده است و در مرحله آخر با استفاده از پرسشنامه کمی جداول و نمودارهای زیر به دست آمد.

پژوهش در ۳ مرتبه شکل گرفت. در مرحله نخست یا مرحله ابتدایی، در نظر گرفتن اساتید الگو در رشته‌های معماری در مدارس معماری مختلف بود. برای این هدف نخست ۵ استاد معماری از چند دانشگاه معتبر تهران انتخاب شدند. انتخاب این اساتید از راه مصاحبه با دانشجویان، دانش‌آموختگان، اساتید همکار و مدیران گروه‌ها انجام گرفت. سپس مرحله دوم این پژوهش آغاز شد. در مرحله اصلی، ویژگی‌های این

معماری به شمار می‌آید. معماری گذشته ایران که همواره با تأکید بر ارزش‌های پایدار از جایگاهی ویژه برخوردار بوده، در عصر حاضر با پیدایش واژگان دوگانه سنت و مدرنیته، از میان نگاه حسرت‌آمیز به گذشته تا فریفتگی الگوهای غربی، دچار نوعی سردرگمی شده است (خرمشاد، آدمی، ۱۳۸۸). نسبت استاد و شاگرد در سیستم سنتی آموزش هنرها از اساسی‌ترین عناصر به شمار می‌رفت، نسبت‌هایی که اساساً مترادف با رابطه مراد و مریدی بود (سیفی و همکاران، ۱۳۹۵). (نمودار ۲)

۱.۳. شناخت

شناخت عمل یا مراحل پیدا کردن دانش و محتوا از راه فکر کردن، تجربه و حواس نامیده می‌شود که از بدو تولد آغاز گشته و سبب فهم و ارتباط معانی جهان اطراف می‌گردد. در اصل شناخت، رابطه ناخودآگاه و جهان اطراف است و معانی متفاوتی را در بسترهای گوناگون مختص خود کرده است. در دانش روان‌شناسی مقصود از شناخت، رفتارهای روان‌شناختی فرد است. شناخت دربرگیرنده جنبه‌های عملی فکر و مراحل فکری بی‌شماری می‌گردد از جمله ادراک، توجه، شکل‌گیری دانش، حافظه و حافظه‌کاری، قضاوت و ارزش‌گذاری، عقل



نمودار ۲. مدل آموزش مطلوب معماری (نگارندگان).



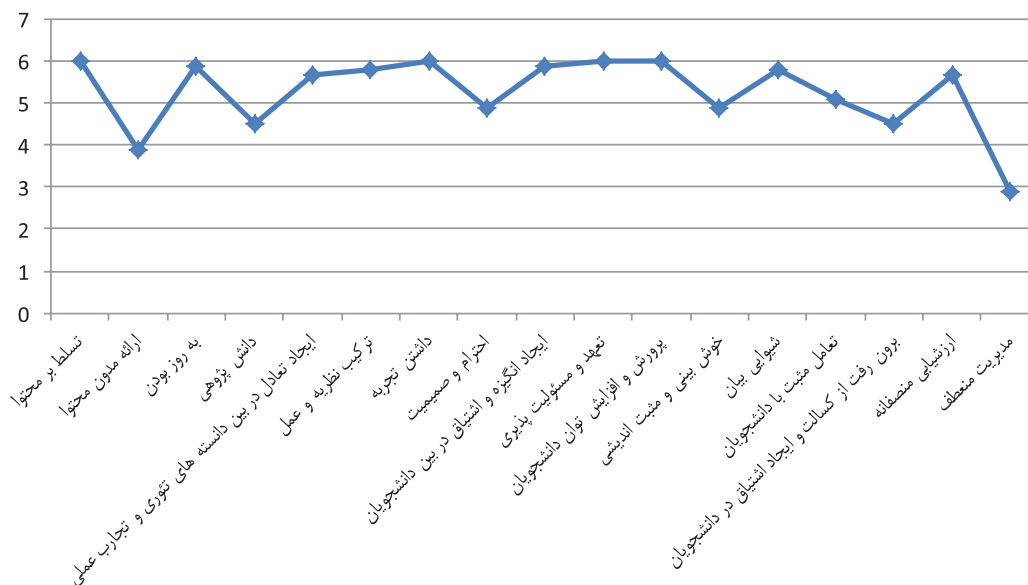
جدول ۴. امتیازدهی استاد الگو (امتیاز از سقف ۶ در مقیاس لیکرت)

امتیاز از سقف ۶ در مقیاس لیکرت	
۶	تسلط بر محتوا
۳/۹	ارائه مدون محتوا
۵/۹	به‌روز بودن
۴/۵	دانش پژوهی
۵/۷	به‌کارگیری خلاقیت و ابتکار
۵/۸	ایجاد تعادل در بین دانسته‌های تئوری و تجارب عملی
۶	داشتن تجربه
۴/۹	احترام و صمیمیت
۵/۹	ایجاد انگیزه و اشتیاق در بین دانشجویان
۶	تعهد و مسئولیت‌پذیری
۶	پرورش و افزایش توان دانشجویان
۴/۹	خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی
۵/۸	شیوایی بیان
۵/۱	تعامل مثبت با دانشجویان
۴/۵	برون‌رفت از کسالت و ایجاد اشتیاق در دانشجویان
۵/۷	ارزشیابی منصفانه
۲/۹	مدیریت منطف

استادان به منظور رسیدن به الگویی از استاد در آموزش عالی ایران از روش پژوهش کیفی مورد بررسی قرار گرفت. شیوه گردآوری داده‌ها، مشاهده کلاس درس، مصاحبه با اساتید و مصاحبه با دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر اطلاع‌رسانان در محیط دانشگاه، به وسیله پژوهشگر و دستیاران وی بود. تعداد مشاهده‌ها در مورد هر استاد بین ۳ تا ۵ جلسه بود. به این ترتیب، در کل ۲۰ مشاهده در مورد ۵ استاد الگو انجام شد. علت تفاوت در تعداد مشاهده‌های انجام‌گرفته در ماهیت درس‌های گوناگون و همچنین، چگونگی اداره کلاس به وسیله استاد بوده است. مصاحبه با استادان الگو با این پرسش کلی آغاز می‌شد که شما از نظر دانشجویان و همکاران خود به عنوان بهترین و الگوترین استاد گروه خود انتخاب شده‌اید چه ویژگی‌هایی در شما سبب این انتخاب شده است؟ سرانجام برای پاسخ به پرسش پژوهش و دستیابی به هدف پژوهش، زمینه‌های کلی و زیرمجموعه‌های استخراج شده در قالب یک الگوی سه‌بعدی قرار داده شد. مرحله سوم دانشجویان دانشگاه تهران جنوب درس طرح ۳ معماری در مورد ویژگی‌های استاد

جدول ۵. معیارهای استاد الگو (بررسی معیارهای استاد درس طرح ۳ معماری دانشگاه تهران جنوب از نظر دانشجویان. امتیاز از سقف ۶ در مقیاس لیکرت)

امتیاز استاد الگو (بررسی معیارهای استاد درس طرح ۳ معماری دانشگاه تهران جنوب از نظر دانشجویان)						مقوله
بازه ۵ تا ۶	بازه ۴ تا ۵	بازه ۳ تا ۴	بازه ۲ تا ۳	بازه ۱ تا ۲	بازه ۰ تا ۱	زیر مقوله
*						تسلط بر محتوا
		*				ارائه مدون محتوا
*						به‌روز بودن
	*					دانش پژوهی
*						به‌کارگیری خلاقیت و ابتکار
*						ایجاد تعادل در بین دانسته‌های تئوری و تجارب عملی
*						داشتن تجربه
	*					احترام و صمیمیت
*						ایجاد انگیزه و اشتیاق در بین دانشجویان
*						تعهد و مسئولیت‌پذیری
*						پرورش و افزایش توان دانشجویان
	*					خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی
*						شیوایی بیان
*						تعامل مثبت با دانشجویان
	*					برون‌رفت از کسالت و ایجاد اشتیاق در دانشجویان
*						ارزشیابی منصفانه
			*			مدیریت منطف



نمودار ۳. معیارهای استاد الگو (بررسی معیارهای استاد درس طرح ۳ معماری دانشگاه تهران جنوب از نظر دانشجویان. امتیاز از سقف ۶ در مقیاس لیکرت).

تجارب عملی، تجربه، مسئولیت‌پذیری، شیوایی بیان، ارزشیابی، امتیاز بازه ۵ تا ۶، خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی، دانش‌پژوهی، تعامل مثبت با دانشجویان، احترام و صمیمیت، امتیاز بازه ۴ تا ۵ و ارائه مدون محتوا، امتیاز بازه ۳ تا ۴ و انعطاف‌پذیری امتیاز بازه ۲ تا ۳ از سقف ۶ را داشته است.

۶. جمع‌بندی نتیجه‌گیری

آموزش معماری امروزه در ایران یکی از مهم‌ترین مباحث در رشته معماری به شمار می‌رود. ما در روزگاری قرار داریم که مطالب و امکانات بسیار متعددی در زمینه معماری مطرح گردیده است که درواقع در خیلی از زمینه‌ها با آن روبرو می‌شویم، بدون اینکه هدف و برنامه‌ریزی آگاهانه و مدیرانه‌ای برای آنها در نظر بگیریم در معماری مبتنی بر سنت، خلاقیت با حفظ رهاوردهای گذشته همراه است و به این شکل افزون بر گذشته می‌گردد. هیچ‌یک از الگوهای فضایی در این معماری یک بار برای همیشه تعیین نمی‌شود. هر الگوی فضایی در مسیر سازگاری باید رابطه انسان با طبیعت و رفتار او با خود و خدایش را مشخص کند. به این ترتیب معماری مبتنی بر سنت هر عصر،

الگو و امتیازدهی به استاد مورد نظر این درس ویژگی‌های استاد الگو مورد پرسش قرار گرفتند.

۵. یافته‌ها

گردآوری اطلاعات در این محله به روش پیمایشی و از طریق ابزار پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان معماری دانشگاه تهران جنوب، درس طرح ۳ معماری و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران^۳ می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش نرم‌افزار SPSS صورت پذیرفت. وزن‌دهی به نتایج در مقیاس لیکرت و در محدوده بین صفر تا شش بوده است. پاسخ به پرسش‌ها از بازه صفر تا شش در دسته‌های زیر تقسیم‌بندی شده‌اند: ۰ = بی‌جواب، ۱ = کاملاً مخالفم، ۲ = مخالفم، ۳ = تا حدودی مخالفم، ۴ = تا حدودی موافقم، ۵ = موافقم، ۶ = کاملاً موافقم. (جدول ۳ و ۴) (نمودار ۲) جامعه آماری این پژوهش ۱۳۶ نفر و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸ نفر می‌باشد.

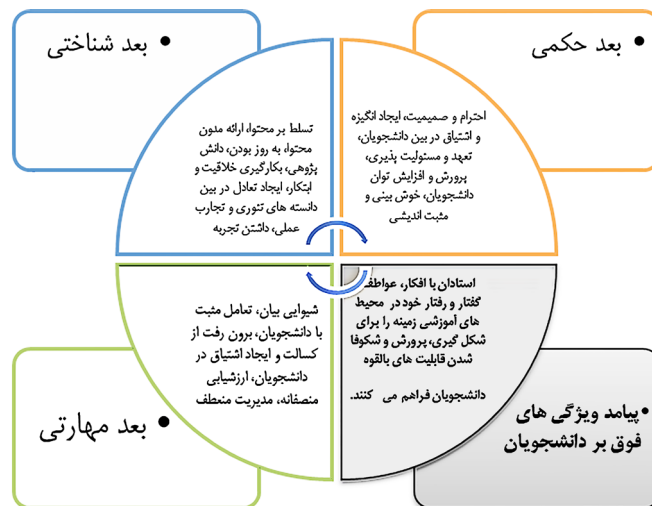
با توجه به اعداد به دست آمده میزان تسلط بر محتوا، به روز بودن، خلاقیت، ایجاد تعادل در بین دانسته‌های تئوری و



هم گذشته و هم «خلاقیت» معماری مراکز آموزش معماری کشورهای توسعه‌یافته، متناسب با اهداف آموزشی و نوع نگرش آنها به معماری است. طراحی نوع و محتوای دروس و اجرای آنها دانش آموزان نیز با شناخت و بر پایه نظرات شخصی خویش محل تحصیل و نوع گرایش معماری خود را انتخاب می‌کنند و در مدت‌زمان تحصیل با همین دیدگاه به تحصیل می‌پردازند. با توجه به یافته‌های فوق، دل‌بستگی به یک موضوع باعث ایجاد علاقه و کنجکاوی می‌شود. این علاقه و کنجکاوی انسان را به تلاش وامی‌دارد. ثمره این تلاش درنهایت به کسب دانش می‌انجامد. سپس این شناخت و آگاهی در انسان امید ایجاد می‌کند و امید باعث افزایش دل‌بستگی می‌شود و به این ترتیب چرخه دل‌بستگی، تلاش و موفقیت آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد. از طرف دیگر می‌توان اقرار کرد که این سه بعد باهم همخوانی سطحی دارند. معمولاً وقتی بعد شناختی عمیق و ریشه‌دار و منوط به ارزش‌های اساسی باشد به همان نسبت بعد عاطفی آن قوی و ریشه‌دار است و در نتیجه آمادگی روانی فرد برای رفتار مناسب نیز بالاتر می‌رود. از این رو، اگر فردی نسبت به موضوعی نگاه مثبت داشته باشد، آماده کمک، پاداش، تحسین و حمایت از موضوع برآیند خویش است. بالعکس، اگر نسبت به آن موضوع دیدگاه منفی داشته باشد، آماده تهمت زدن، صدمه زدن، تنبیه و تحریب موضوع است.

اساتید دانشگاه در نحوه مدیریت کلاس‌ها باید به چستی حرکت کنند که دانشجویان متفکر، خلاق و مستقل رشد کنند

و انعطاف‌پذیری و برخورد دوستانه و محترمانه با دانشجویان را لازم بدانند. استاد باید خود را از دریچه چشم دانشجویان ببیند تا در مورد توقعات آنها آگاهی داشته باشد و بر اساس این آگاهی شخصیت خود را به عنوان یک استاد صیقل دهد. وی همچنین وجود الگویی شامل این دو بعد را برای دوره آمادگی قبل از تدریس ضروری می‌داند. در پاسخ به این سؤال که از استاد الگو در آموزش عالی ایران چه می‌توان آموخت، ابتدا باید توجه داشت که ظرفیت و توان اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های کشور بسیار فراتر از آن چیزی است که اکنون جامعه با آن مواجه است. همان‌طور که قبلاً گفته شد، شرایط حاکم بر نظام آموزش عالی ایران و نقصان موجود در آن، جوی را به وجود آورده است که جامعه و به‌ویژه دانشجویان نتوانند از دانش، تخصص و مهارت‌های اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها استفاده بهینه و لازم بکنند. انتفاع بیشتر از اساتید دانشگاه منوط به ایجاد تغییر در درک جامعه از مفهوم تدریس است. درنهایت امید است پژوهش‌هایی از این دست معلمان را به ارزیابی نظام‌مند و تأملی از رویکردها و راهبردهای آموزشی تشویق کند تا در نتیجه به عنوان اقدامی جدی، مهم و مدبرانه با این موضوع برخورد کنند. و خلاقانه برخورد کند و در این راه تلاشی حاصل از مشاهده دقیق، تحلیل، بازنگری و تصحیح، تبادل نظر با همکاران و انتقاد همتایان داشته باشد. به امید روزی که این باور در جامعه دانشگاهی نهادینه شود که بتوان تدریس خوب و مؤثر را آموخت.



پی‌نوشت‌ها

1. Bain
2. Omalley

۳. روش تعیین حجم نمونه:

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

n = حجم نمونه: برای نمونه‌گیری تصادفی در این پژوهش از فرمول کوکران استفاده شده است.

N = حجم جمعیت آماری (حجم جمعیت شهر، استان و غیره)

t یا z = درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول

p = نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین (مثلاً جمعیت مردان)

q (1-p) = نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین (مثلاً جمعیت زنان)

d = درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب

طبق فرمول بالا اگر بخواهیم حجم نمونه را با شکاف جمعیتی ۰/۵ (یعنی نیمی از جمعیت حائز صفتی معین باشند. نیمی دیگر فاقد آن هستند. معمولاً p و q را ۰/۵ در نظر می‌گیریم. مقدار z معمولاً ۱/۹۶ است.

فهرست منابع

- قرآن
انتصاری، نیما؛ تیموری، سیاوش، قاسمی سیچانی، مریم (۱۳۹۴). بررسی نقش معماری در طراحی فضاهای شهری. نمونه موردی: فضاهای آموزشی مدرن، مدیریت شهری، ۱۴(۴۰)، ۱۰۷-۱۳۹. SID. <https://sid.ir/paper/92161/fa>
- اعرافی، علیرضا؛ بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- بنکداری، نسرین؛ مهران، گلنار؛ ماهرزاده، طیبه؛ هاشمی، سیدعباس (۱۳۹۵). ویژگی‌های استاد شایسته در آموزش عالی ایران: یک مطالعه کیفی. دوماهانامه علمی رهپویه نو در مدیریت آموزشی، ۷(۲۷)، ۱۱۷-۱۳۸.
- حجت، عیسی (۱۳۸۲). آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها، هنرهای زیبا، ۱۴(۱۴)، ۶۳-۷۰. SID. <https://sid.ir/paper/419996/fa>
- حجت، عیسی (۱۳۸۹). مشق معماری، چاپ اول، مؤسسه انتشارات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حجت، عیسی (۱۳۹۱). سنت و بدعت در آموزش معماری، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خرم‌شاد، محمدباقر؛ آدمی، علی (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن ساز، تحقیقات فرهنگی ایران، ۲(۲) (پیاپی ۶)، ۱۶۱-۱۸۸. SID. <https://sid.ir/paper/136911/fa>
- دوکسیادس، کنستانتین ا. (۱۳۸۷). معماری مرحله تحول، ترجمه محمود رازجویان، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- زرافشانی، محمدعلی؛ طهماسبی، ارسلان؛ بایزیدی، قادر (۱۴۰۰).
- بررسی آموزش معماری در دانشگاه‌های ایران در راستای حل بحران هویت معماری معاصر ایران، فصلنامه علمی هنر/اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۴۲. <https://civilica.com/doc/1393809>
- رفیعی، بهروز (۱۳۹۲). مریدان بزرگ مسلمان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سامه رضا، ایزدی عباسعلی (۱۳۹۳). سازوکار داوری و سنجش طراحی در آموزش معماری، پیشنهاد مدلی برای ارزیابی فرایند و ارزشیابی طرح در تعامل استاد و دانشجو، نشریه علمی/انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، صفحات ۱-۱۳؛ <https://doi.org/10.30475/isau.2015.61988>
- سالیانگروس، نیکوس ای (۱۳۸۷). یک نظریه معماری، ترجمه سعید زرین مهر و زهیر متکی، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- سیفی، ندا؛ بلخاری قهی، حسن؛ محمدزاده، مهدی (۱۳۹۶). تأملی در رابطه استاد و شاگردی در آموزش هنرها با تأکید بر نظام سنتی، فصلنامه نگره، ۱۲(۴۲)، ۳۳-۴۵. doi: 10.22070/negareh.2017.528
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش، انتشارات آگاه.
- شریعت زاده، یوسف (۱۳۷۴). اعتدال میان سنت و نوآوری، آبادی، سال پنجم، شماره ۱۹، ۶۴-۶۷.
- شریعتی، علی (۱۳۷۸). هنر، تهران انتشارات چاپخس.
- شوارتس، سنفورد آر. (۱۳۸۲). آنری برگسون، ترجمه خشیار دیهیمی، انتشارات ماهی، تهران.
- طاقی، زهرا (۱۳۷۴). نگاهی به آموزش معماری در دوران معاصر، صفة، ۵(۲).
- فیضی، محسن؛ دژپسند، ساحل (۱۴۰۰). واکاوی سبک‌های یادگیری



- دانشجویان برای ارتقای آموزش معماری (مطالعه موردی: دانشجویان معماری دانشگاه ارومیه)، مطالعات معماری ایران، ۷(۱۴)، ۱۴۹-۱۶۹. doi: 10.22052/1.14.149
- گرجی مهلبانی، یوسف (۱۳۸۹)، آموزش معماری امروز و چالش‌های آینده، *فناوری آموزش (فناوری و آموزش)*، ۴(۳)، ۲۲۳-۲۳۴. SID. <https://sid.ir/paper/155497/fa>
- گوران، شیرین؛ فروتن، منوچهر؛ دژدار، امید (۱۴۰۱)، تبیین مولفه‌های تاثیرگذار برون دانشگاهی آموزش معماری بر معماران معاصر ایران از دیدگاه اساتید دانشگاه، *باغ نظر*، ۱۹(۱۱۲)، ۸۱-۹۲. SID. <https://sid.ir/paper/1001743/fa>
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۶)، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، تهران.
- ملکشاهی، حسن (۱۳۷۵)، *ترجمه و شرح اشارات و تنبیهاات ابن سینا*، انتشارات صدا و سیما (سروش)، تهران.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ یاری، فهیمه؛ پرویزی، قامت؛ دهقانی، صهیب (۱۳۹۲)، تحول در آموزش معماری در تعامل دوسویه با تاریخ و فناوری. معماری و شهرسازی پایدار، ۱(۲)، ۵۵-۶۳. SID. <https://sid.ir/paper/265459/fa>
- مهدوی‌پور قائم‌مقامی، حسین (۱۳۹۱)، «سرمشق» الگویی جهت استفاده از آثار معماری در آموزش طراحی معماری، *رساله دکتری معماری*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ندیمی، حمید (۱۳۸۹)، روش استاد و شاگردی، از نگاهی دیگر، *نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۲(۴۴)، ۲۷-۳۶.
- نیک‌کار، محمد؛ حجت، عیسی؛ ایزدی، عباسعلی (۱۳۹۲)، بررسی سازه هدف و کاربست آن در ایجاد انگیزش در نوآموز معماری، *دو فصلنامه مطالعات معماری ایران*، ۲(۳): ۸۵-۱۰۶.
- فرهنگ فارسی معین.

Bain, K. (2004). *What the Best College Professor Do?* Harvard UniversityPress.

Bennett, P. N. et al. (2002). "Job Satisfaction of Agriculture Teacher in Georgia and Selected Variables Indicating their Risk of Leaving the Teaching Profession"; Paper Presented at the Southern Agricultural Education Research Conference, Orlando, pp. 555 - 567.

Gillespie, M. (2005). "Student - teacher Connection: A Place of Possibility". *Journal of Advance Nurce*, Vol. 52, Iss. 2, pp. 211 - 219.

Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. Rizzoli.

O'Malley, G. et al. (2000). *Politics of Education: Essays from Radicalteachers*. (Albany, New York): State University of New York Press

United Nation. (1993) *The Global Partnership for environment and development: A Guide to Agenda 21 Post Rio Edition*. United Nations.

Wade ,John . (1977). *Architecture, Problems & Purposes: Architectural Design as a Basic Problem Solving Process*, NewYork, John Wiley & Sons.